

[illegible]

جنبی گواهی دادن بتوبه و رسالت محمد رسول الله متفق علیه عن ابن عباس اطاعت
 رسول الله اطاعت خدا گشته قال الله تعالى **مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ طَاعَ اللَّهَ** یعنی هر که
 فرمان برداری کند رسول را از فرمان برداری خدا کرد و محبت رسول الله صلعم در رنگ محبت
 خدا بلکه عین محبت است و تعالی شد رسول فرموده صلعم **لَا يَكُونُ مِنْ أَحَدٍ كَمَا حَتَّى الْوَرَأَا حَتَّى إِلَيْهِ**
مِنْ قِيَامِهِ و **لَا يَكُونُ الشَّيْءُ إِلَّا بِإِذْنِهِ** متفق علیه عن انس یعنی ایمان یکی از شما
 هیچ نباشد تا دوست تر باشم نزد او از والد و فرزند او و از تمام آدمیان پس ادای حق
 رسول الله صلعم هم از طوق بشر خارج است اما مطلوب بقدر طاقت است آن امتثال او و
 نواهی او است و کثرت صلو و سلام بردی و محبت به آل و اصحاب و فصل پس بدانکه
 چون شناختن ذات صفات و مزیات مکرر باشد بتوسط رسول صلعم رسیده خصوصاً
 بسی خلفا و راشدین بین قوت و زونق گرفته و اقوال و افعال او علیه السلام که بعضی صحابه
 را معلوم بود و اکثر را معلوم نبود از سعی آنها شهرت گرفته مسایل خلافت مجمع علیه گشته که
 در هر مسئله صحابه را جمع کرده تحقیق کرده و ترجیح میکردند پس ادای حق صحابه و ابلهت عین
 ادای حق رسول است و محبت و اطاعت شان مثل محبت و اطاعت رسول گشته فرمود
 رسول صلعم **مَنْ أَحَبَّهُمْ فَيُحِبِّي أَحَبَّهُمْ وَمَنْ أَبْغَضَهُمْ فَيَبْغِضِي أَبْغَضَهُمْ وَمَنْ أَذَلَّهُمْ فَقَدْ**
أَذَانِي وَمَنْ أَذَانِي فَقَدْ أَذَى اللَّهَ رواه الترمذی عن عبد الله بن معقل و فرمود
إِقْتَدُوا بِاللَّيْثِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ وَعُمَرَ رواه مسلم و الترمذی عن حنیفه یعنی هر که دوست
 دارد اصحاب را پس بدوستی من آنها را دوست داشته و هر که آنها را دشمنی
 پس بدشمنی من آنها را دشمن داشته و هر که آنها را اید کرده پس بد رستی مرا اید کرده
 و هر که مرا اید کرده پس بد رستی که خدا را اید کرده و فرمود پیروی کنید بپیر و خلیفه که
 من باشد ابوبکر و عمر و فرموده **عَلَيْكُمْ بِلَيْثِي وَ سُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ مِنْ بَعْدِي**
 یعنی لازم گیرید سنت من و سنت خلفا راشدین را که بعد من باشند فرمود **إِنَّا نَبِيُّ**
الْعِلْمِ وَ حَلِيٌّ بِالْجَاهِ رواه الطبرانی و الحاكم عن ابن عباس من شهر علمم علی دروازه است
 فرموده **إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ التَّقْلِيدَ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِلْمِي** رواه احمد و الطبرانی حسن زید بن ثابت
 یعنی میگذازم بعد خود نزد شما و دو سید محکم یکی قرآن دوم عترت خود و فرمود صلعم
 الله علمه و سلما **خُذُوا النِّصْفَ الْعُلَا مِنْ هَذِهِ الْأَمَةِ** بگو که نصف علم از من همیشه است یعنی

[illegible]

نشان آن حقوق العباد است اما حق است بحق اله تعالی اگر اینها نمی بودند کسی خدا را نمی شناخت
 و حق است او انیکرد و رسول فرمود کوه که هکذا ما الله ما احدثنا و لا نصنع و لا نصلی و لا نصلی
 یعنی اگر نمی بود هدایت خدا با نزال کتب و ارسال رسل کسی هدایت نمی یافت و کسی ادای نکرده و نماز
 نمی کرد و اینها مستغفرین اند در ذکر خدا از دیدن اینها خدا یادی آید و دوستی و دشمنی با خداست در حدیث
 قدسی آمده مَنْ عَادَى فِرْعَوْنَ فَقَدْ عَادَى اللَّهَ یا الْحَرْبُ بِطَرَاهِ الْبُخَارَى عَنِ ابْنِ مَرْيَمَ یعنی هر که
 با دل من پس خبر و ارسپ کنم او را با جنگا کردن با من و نیز در حدیث قدسی آمده أُولَئِكَ أَصْحَابُ
عِبَادِي الَّذِينَ يُبَدِّلُونَ كُودُنَ بَيْنِ كِرْجٍ وَكَذَلِكَ يُجِيبُونَ كِرْجَهُمْ رواه البغوی یعنی اولیای من
 از بندگان من کسانی هستند که یاد کرد و شوند بیا و کردن من یاد کرده شوم از یاد کردن آنها
 همچنین در حدیث نبوی آمده صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و هم قسمی دیگر از حقوق العباد حق کسانی
 است که در ظاهر بنی از حقوق اله آمده اند در ظاهر و در میان اقتاده اند در ایجاد و پرورش و روز
 رسانیدن مانند پنجه مادر و پدر و اجداد و جدات کسانی که در ظاهر حق تعالی بتوسط نشان
 روزی رسانید از آنها پرورش کنان یا نوعی از انعام مالی یا راحت بدنی یا عزت یا منفعتی از
 نشان بتوسط نشان رساند شکر این با هم مثل مادر و پدر و جیب رسول فرمود مَنْ لَمْ يَشْكُرْ لِنَاسٍ لَمْ
يَشْكُرْ لِلَّهِ رواه مسلم و الترمذی عن ابی سعید الخدری یعنی هر کس که شکر آدمیان نکند شکر خدا نکند و در حدیث
 اکثر از آن حقوق والدین است قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَسَنَةً وَهَذَا عَهْدُكَ
وَفَصَالَةُ فِي حَامِيْنَ أَشْكُرْ كُفْرِي لَكَ يَا إِلَهِي یعنی امر کردیم انسان را آنکه نگوید کند ما و تو
 مگوئی کردنی مادر و پدرش که بر داشت او را شقت بر شقت و دو سال اندامش را داده و شکر کن
 برای من برای مادر و پدر خود این حکم در قرآن چند جا آمده رسول در کبار و ذکر کرده و شکر و عفو
 والدین را مستحق غلبه عن جسد ابن عسقلان عبارت است از ایذا کردن یا فراموشی کردن
 عن بابتش بدین و قطع است خبر و صله و احمد از معاذ بن جبل روایت کرده که رسول به چه میروید
 کرده از آن جمله گفت كَاشْرَكَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَإِنْ قُلْتُمْ لَا نَعْبُدُ إِلَّا اللَّهَ وَإِنْ قُلْتُمْ لَا نَعْبُدُ إِلَّا اللَّهَ
أَنْ تَخْرُجَ مِنْ أَهْلِكَ وَمِلْكِكَ الْمَدِينَةِ یعنی شریک من بخدا چیز را اگر چشتم و سوخته شوی یا فرزانی
 والدین کن اگر چه امر کنند ترا با آنکه بگردن شوی از اهل و مال خود و در صحیحین از ابی هریره
 روایت کرده که مروی از رسول صلی الله علیه و سلم پرسید که زیاده حق برای نیکو صحبتی کیست
 فرمود مادر تو گفت پستتر کیست فرمود مادر تو گفت پستتر کیست گفت مادر تو گفت پستتر کیست گفت

این حدیث در حدیث قدسی است و در حدیث قدسی آمده است که هر که با دل من پس خبر و ارسپ کنم او را با جنگا کردن با من و نیز در حدیث قدسی آمده است که اولیای من از بندگان من کسانی هستند که یاد کرد و شوند بیا و کردن من یاد کرده شوم از یاد کردن آنها همچنین در حدیث نبوی آمده است که در ظاهر بنی از حقوق اله آمده اند در ظاهر و در میان اقتاده اند در ایجاد و پرورش و روز رسانیدن مانند پنجه مادر و پدر و اجداد و جدات کسانی که در ظاهر حق تعالی بتوسط نشان روزی رسانید از آنها پرورش کنان یا نوعی از انعام مالی یا راحت بدنی یا عزت یا منفعتی از نشان بتوسط نشان رساند شکر این با هم مثل مادر و پدر و جیب رسول فرمود که هر کس که شکر آدمیان نکند شکر خدا نکند و در حدیث اکثر از آن حقوق والدین است که بر داشت او را شقت بر شقت و دو سال اندامش را داده و شکر کن برای من برای مادر و پدر خود این حکم در قرآن چند جا آمده رسول در کبار و ذکر کرده و شکر و عفو والدین را مستحق غلبه عن جسد ابن عسقلان عبارت است از ایذا کردن یا فراموشی کردن عن بابتش بدین و قطع است خبر و صله و احمد از معاذ بن جبل روایت کرده که رسول به چه میروید کرده از آن جمله گفت که شریک من بخدا چیز را اگر چشتم و سوخته شوی یا فرزانی والدین کن اگر چه امر کنند ترا با آنکه بگردن شوی از اهل و مال خود و در صحیحین از ابی هریره روایت کرده که مروی از رسول صلی الله علیه و سلم پرسید که زیاده حق برای نیکو صحبتی کیست فرمود مادر تو گفت پستتر کیست فرمود مادر تو گفت پستتر کیست گفت مادر تو گفت پستتر کیست گفت

[illegible]

[illegible]

[illegible]

آن امام بر منبر گفت که اگر تانسی عالم و عادل باشد بجای آورد و مادانی شایسته بر منبر
آورد و معتدل گشت بجای آورد و الا کفر و اگر فاسق است بجای نیاورد و اگر فاسق است بجای نیاورد
و حق شوهر بر زن با حاد و شایسته بسیارند رسول فرمود **لَوْ كُنْتُ الْكَوْكَابُ لَكُنْتُ فِي سَجْدَةٍ كَمَا تَسْجُدُونَ**
الْمَلَائِكَةُ أَنْ تَسْجُدَ لِرَبِّهَا و داد الترنبی و ابو داؤد و نحو و از قیس بن سعد و احمد و معاوی و غیره
یعنی اگر امر میکردم کسی را که سجده کند کسی بر آئینه امر میکردم من را که سجده کند شوهر خود را و بر منبری که
ام سلمه روایت کرده که رسول فرمود هر زنی که مرد شوهرش از در فتنی هست داخل بیست شود
و ابوالنفیم در حلیه از انس روایت کرده که رسول فرمود هر زنی که نماز پنجگانه خواند و در راه رمضان
گذارد و عفت و رزق و فرمان برداری شوهر کند داخل شود بیست از هر دو که خواهد چنانچه عایشه روایت کرده که
آنحضرت فرمود اگر برای سجده کسی احکم میکردم زن را حکم میکردم که سجده کند شوهر خود را اگر شوهر زن را حکم کند
که از کوه سیاه بکوه سفید و از کوه سفید بکوه سیاه بکوه سیاه بگوید باید که همچنان کند تا ندی و این حدیث از ابی حازم
روایت کرده که رسول فرمود اگر زنی شوهر خود را از رسیدن بدوران بیست میگوید لعنت کند
بر تو خدا نیست این شخص نزد تو مگر همان قرمیت که از تو جدا شود بسوی ما فصل و در حق
سید پر عبد فرمود رسول **إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا انْفَضَّ سَيْدُهُ وَأَحْسَنَ عِبَادَةَ اللَّهِ كَلَّ أَجْرُهُ مَرَّتَيْنِ**
استغنی علیه عن عبد الله بن عمرو یعنی بد رستیکه غلام اگر خیر خواهی مالک خود کند و نیک کند عبادت خدا
و چندان ثواب یا بنسرم و آنحضرت **مَنْ نَفَّاهُ إِلَى اللَّهِ أَنْ يَتَّقَاهُ اللَّهُ يَجْزِي عِبَادَةَ رَبِّهِ**
كَمَا حَتَّ مَسِيرُهُ وَنَحَاكَ استغنی علیه عن ابی هریره یعنی خوشا حال بنده ملوک که بمیرد و نیک کند عبادت
پروردگار خود و فرمان برداری مالک خود خوشا حال او و فرمود انس و علی السلام **إِذَا بَقِيَ الْعَبْدُ**
لِمَوْلَاهُ وَفِي دَوَائِهِ أَيْمَانُ عَبْدٍ ابْنِ مَوْلَاهُ فَقَدْ كُنَّ خَيْرًا يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ
رواه مسلم عن جابر یعنی اگر غلام بگیرد و نماز او قبول نشود و در روز آخر غلامی که بگیرد از مالکان خود
تحقیق کافر شود و ماد و قتی که باز آید نزد ایشان یعنی کافر لعنت باشد و بیعتی از جابر روایت کرده که رسول
فرمود هر مسته کس را نماز قبول نشود و غلامی که بگیرد تا که باز نزد مالک خود آید و نیک شوهر شدن
تا خوش باشد و مست تا که بپوشد و فرمود صلعم **كَيْسَ مَتَانًا مَرْغُوبًا** **إِنَّمَا هِيَ رَأَةٌ كَلَامُ دَجَالٍ وَجَدَلٍ**
حاکم سید **وَرَوَاهُ** ابو داؤد و حسن ابو هریره رضی الله عنه یعنی بیعت از مالک کسی که در غلامی
و فاسد کند زنی را بر شوهرش و غلامی را بر مالک او قسم چهارم قسمی دیگر از حقوق عباد حق
رعیت است بر سلطان و امیر و قاضی و حق زوجه بر شوهر و حق پدر بر فرزند و حق غیر بر پدر

و با در حق ملوک بر مالک که اینهمه دالیع حق اند حق سبحانه تعالی بر ذات بی نیاز خود برای ملوک کان و
 بنندگان خود چیست؟ چسب کرده پس کسی را که در دنیا راضی ساخته و مالک گردانیده و بر مردم و چسب
 ساخته قال رسول الله علیه و السلام اَلَا تَكُلُّكُمْ رَايَعٌ وَ كَلَّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِمْ فَا
 تَكُلُّوهُمْ اَلَّذِي عَلَى النَّاسِ رَايَعٌ دَهْرٌ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِمْ وَ اَلَّذِي عَلَى اَهْلِيكُمْ رَهْوٌ مَسْئُولٌ عَنْ
 رَعِيَّتِهِمْ وَ الْمَرْأَةُ رَايَعَةٌ عَلَى بَيْتِ رَجُلٍ وَ وَلَدَةٌ وَ هِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْ رَعِيَّتِهِمْ اَوْ عَبْدٌ لِرَجُلٍ
 رَايَعٌ عَلَى مَالِ سَيِّدِهِ وَ هُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُ اَلَا تَكُلُّكُمْ رَايَعٌ وَ كَلَّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِمْ مَسْئُولٌ
 عَلَيْهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ يُعْنَى اَكَا و با شید که هر یکی از شمار رعیت و میرکی از شما سوال کرده خواهد شد
 از رعیت او که بجا آید یا نه یا نه از ضایع و مهمل گذشت پادشاه بر تمام آدمیان رعیت
 سوال کرده خواهد شد از رعیت او و هر دو را رعیت پادشاه از آنها سوال کرده خواهد شد
 وزن بر خاند شوم و اولاد او را رعیت است از آنها سوال کرده شود و غلام بر مال مولی رعیت
 از ان سوال کرده خواهد شد فضل در حق رعیت بر پادشاه و امیر رسول فرمود مَعْلَمٌ وَ اَلِیُّ
 رَعِيَّتِهِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ يَمُوتُ دَهْرٌ عَاطِرٌ اَخْرَجَ عَلَيْهِ الْجَنَّةُ مَسْئُولٌ عَلَيْهِ عَنْ مَعْلَمِ بْنِ سَعْدٍ
 یعنی کسی نیست کسی والی که بر رعیتی از مسلمانان والی باشد پس میر در حالیکه خیرخواهی رعیت نگردد باشد
 مگر آنکه حق تعالی بر وی پشت را حرام کرده و فرمود اَللّٰهُمَّ مَنْ دَلِيَ مِنْ اَمْرِ اُمَّتٍ شَيْئًا فَشَقَّ
 عَلَيْهِمْ فَاَشَقَّ عَلَيْهِمْ وَ مَنْ دَلِيَ مِنْ اَمْرِ اُمَّتٍ شَيْئًا فَزَقَّوْهُمْ فَزَقَّوْهُمْ فَاَذَقُوْهُ رَوَاهُ مُسْلِمٌ عَنْ
 عَالِشَةَ یعنی ای بار خدا یا هر که والی شود از کارهای است من چیز را پس سختی کرد بر آنها پس سختی
 کن بر دهر که والی شود از کارهای است من چیز را پس آنها نرمی و مهربانی کند تو بر وی نرمی
 و مهربانی کن پس مسلم از عبد الله بن عمر روایت کرده که رسول فرمود عَادِلَانِ بَرٌّ بَرٌّ رَزُوْا بَشَنَدَ
 نزد حق تعالی آنها که عدل کنند در حکم داهل آنها در آنچه والی کرده شده و داهمی از آنها بر
 آنحضرت م آورده اند که فرمود نباشد مگر ده کس مگر آنکه آورده شود در قیامت بسنه که بکشاید
 او را عدل یا بظلم کند او را ظلم فرمود اِنَّ اَحَبَّ النَّاسِ اِلَى اللّٰهِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَ اَحَبَّ اِلَيْهِمْ مَنْ
 جَلَسَ اِمَامًا عَادِلًا وَ اِنْ اَبْغَضَ النَّاسُ اِلَى اللّٰهِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَ اَشَدَّ هُمْ عَنْ اَبَا اِمَامٍ
 جَارِئٌ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ عَنْ اَبِي سَعِيدٍ یعنی بدترین که محبوب ترین آدمیان بسوی خدا و زقیامت و
 نزدیک ترین مردمان بسوی خدا از روی مرتبه پادشاه عادل باشد و بدترین که ناخوشترین
 آدمیان بسوی خدا و زقیامت و سخت تر در عذاب پادشاه ظالم باشد و فرمود اِنَّ الشَّيْطَانَ

ان الله تعالى

[illegible]

فوق العادة

خرابا و بسیار هر دو دختر ششم کرده و داد و خویش بخورد و در دست پس چون بی صلح آمد و قصد عرض
کردم فرمود من اینک می بینم الباقی بستی با حسن البکری کن که سبب از این است و بینی هر که مبتلا شود
از دختران بچری یعنی چند دختران داشته باشد و با بنایکی کند و او را برده شود و از آنش و هم
در بعضی از عایشه مروست که یک و متالی نزد رسول آمد و گفت که شما بر طفلان بوسیله کنید بوسه
نیکویم آن حضرت فرمود او را اذ انک ان ترضع الله من ذلک النعمه یعنی اگر خدا ایستای زنی
نور جسم و شفقت دور کرده من چه بینم که در فصل در حق ملاکان رسول کریم فرمود مرا خواند که طعام
الله تحت ایدیکم فز جعل الله اخاء تحت نداءه فلیکمه من ایاک و لیکم من جماعه من ایاک
یکف من العلی ما یغلبه فان کلفه ما یغلبه فلیکمه فلیکمه من ایاک و لیکم من جماعه من ایاک
برادران شما اند که ده است آنها را بپا شد تعالی زیر دست شما پس هر که حق تعالی را در او را زیر دست
او کند پس باید که بخواند و آنچه خود بخورد و بپوشاند و آنچه خود پوشد و تکلیف نداده و او را بکار که
بروی شاق باشد و اگر بکاری شاق امر کند خود هم مددگاری او کند بر کار فرمودم اذ اصنع کما کنتم
خادمه طعامه ثم جاء وقت حرقه و دخانه فلیکمه فلیکمه من ایاک و لیکم من جماعه من ایاک
مستغفوها فلیکمه فی ایدیه من الله او کلک ان رداه مسلم من ابهره یعنی و مستیک
طیار کند براسی که از شما خادم او طعامی پس بیارد آن طعام و بر روی یک گری آتش و دود او بر دوش
است پس باید که بنشیند او را همراه خود با بخورد و اگر طعام اندک باشد و خورنده بسیار باید که بنهد و دست
او یک لقمه یاد و لقمه و فرمودم من ذلک فملاک و هو یزکی جماعه من ایاک و لیکم من جماعه من ایاک
یعنی هر که نسبت زنا کند ملوک خود را و او پاک باشد از آن او را حق تعالی روز قیامت حدیث
زند و سر سود من ضرب علامه حدیث لایاته او لطمه فکان کفاده
از تحقیق رداه مسلم من این عمر یعنی هر که زند غلام خود را حد و او موجب حد کرده است یا او را
طیایچه زند پس کفار او است که او را زاده کند و مسلم از ابی سعید و در روایت کرده که من غلام خود
میردم از پس پشت او از می شنیدم که بدان ای اباسعد که حق تعالی تو را در ترست از آنچه تو
برین غلام قدرت داری چون پس پشت دیدم رسول خدا بود و لقمه یا رسول الله این برای خدا را
کردم سر سود از این بیکدیگر می گفتی تو میرسد آخر کلام رسول و در من سوت او بود و القصل و
ماملکت انما لک رواه البیهقی فی شعب الایمان عن ام سلمه و احمد و ابو داود و عن علی بن حنفیه عن
کعبه بن زید عن قسطنطین بن علقمه عن حضرت صلی الله علیه و سلم انک فیما یسبح الله

[illegible]

را این حدیث از عبد الله بن عمر بن الخطاب روایت کرده که رسول فرمود که **مَنْ جَاءَ بِمِثْقَلِ ذَرَّةٍ مِنْ خَيْرٍ**
يَأْتِ بِمِثْقَلِ اسْكَالٍ هَذَا الْمَاءِ خَلَقَ عَنِّي بَابَهُ وَمَنْ عَمِيَ خَضَلُهُ رده الاصفهانی عن ابن عباس
 بسیار بسیار باشد که بگوید ای پسر در دگر پرس این چو اینست که در دوازده
 خود از من و نداد مرا پس خورده خود و بخاری از ابن عمر روایت کرده که رسول فرمود
 که همیشه جبرئیل مرا برای همسایه وصیت میکند حتی که گمان بر دهم که قریبت که حق تعالی اورا و رشت
 گرداند و مسلم از ابی ذر روایت کرده که رسول الله فرمود وقتیکه گوشت پیری شود یا زیاده کن یا کم
 را ضیافت کن عائشه از رسول پرسید که یا رسول الله مرد و همسایه هستند بکدامی از آنها پدیده کم و زیاد
 بگویند و یک بر است در دوازده او فرمود رسول **مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُحْسِنِ إِلَى جَارِهِ**
وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكْرِمْ خَلِيقَهُ وَهِيَ كَانَتْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ
فَلْيُقِلَّ خَبْرًا أَوْ لِيُصْغِرْ رده البغوی فی الصحیحین عن ابی هریره نحوه یعنی هر که بکند اورا و در
 قیامت ایمان داشته باشد پس با یکله همسایه خود کوی کند و همان را اگر اعی دارد و بجهت یک باشد
 گوید یا خاموش ماند سخن بگوید بگوید بدان اسحق الله تعالی که چون همسایه را که در خانه علیحد
 بیاید چنین حق ثابت شده پس محبت و همنفر بطریق اولی حق و حبیب بنیامنه با بر محبتی هر
 کریم اصحاب خود را چه قدر مایه فرموده برای محبت و بخله نشان بهانه کرده لیکن و حبیب که
 همیشه خودی با نیکان کند و با کافران و فاسقان کند رسول فرمود **مَنْ لَمْ يَحْسِنْ إِلَى جَارِهِ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ**
وَمَنْ لَمْ يَحْسِنْ إِلَى جَارِهِ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ (مَنْ لَمْ يَحْسِنْ إِلَى جَارِهِ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ) و **لَا مَا أَنْ بَتَّاعٍ مِنْهُ قَوْمَاتٍ**
يَتَّخِذُ مِنْهُ رِجَالًا طَائِفَةً وَنَاحِ الْكَلْبِ أَمَّا أَنْ يَحْبِبَ نِيَابَكَ وَأَمَّا أَنْ يَجِدَ مِنْهُ رِجَالًا طَائِفَةً مَسْفُوقَةً
 علیه عن ابی موسی و فی روایت یحیی بن یحیی **أَنْ تَوْبِكَ أَوْ تَجِدَ مِنْهُ رِجَالًا طَائِفَةً** یعنی حال
 همسایه نیک و همسایه بد آشنانت که همسایه نیک مانند صاحب مشک است مازا خواهد داد و او را توارز
 خرید خواهی کرد و در نه تو بوی خوش خواهد رسید و همسایه بد مانند سوزاننده بوی آتش انگار است که خانه
 تو یا پارچه تو را سوخت و گزند بوی بد از و تو خواهد رسید به چنین حاکم را بود او و دانست
 از آنحضرت روایت کرده که همسایه نیک مثل عطر فروشن است اگر عطر تو را خواهد داد بوی تو خواهد رسید
 او را و در نزدی و حاکم از ابی سعید خدری روایت کرده که فرمود آنحضرت همیشه نیک کن گر با همسایه
 کامل ایمان و باید که طعام خود را اگر متقی و بخوی از ابی سعید پره روایت کرده که رسول فرمود
 که آدم بر دین و مذاهب دوست خود را باشد پس برین که با که دوستی دارد و همچنین در صحیحین

در این مسو و از آن حضرت مرویست که فرمود **مَنْ لَحِقَ** یعنی انسان در آخرت کسی باشد که
 در دوست دارد و حق تعالی میفرماید **الْأَخِلَاءُ الَّذِينَ بَعَثْنَاهُمْ لِيُبْعَثُوا هَؤُلَاءِ الْمُتَّقِينَ** یعنی
 دوستان روز قیامت با هم دشمن شوند مگر متقیان و حق تعالی میفرماید که هر دو در روز قیامت برودن
 کردن با بدن حسرت خواهند که دو خنبد گفت **يَا ذِي الْقُرْبَىٰ لَيْسَ بِي لَكَ شَرٌّ وَلَا فَائِدَةٌ** ای یار کن
 کسی نمی گزینم فلان کس را دوست مولوی روم میگوید مثلثی دورشوار احتلاط یار بد -
 یار بد بدتر بود از یار بد + یار بد تنها همین بر جان زند - یار بد بر جان و بر ایمان زند + صحبت صالح
 ترا صالح کند - صحبت طالح ترا طالح کند + نار خندان باغ را خندان کند - صحبت نیکانت
 نریکان کند + در حین همین از ابی هریره روایت که حدیث در طویل از رسول کریم در حق جماعت
 کنندگان که چون حق تعالی بر آنها حسرت کند و بخشاید تمام پیشانی آنها را بخشاید فرشته از فرشتگان
 ای پروردگار مرویست گویگار از آنها نیست برای کاری آمده و نزد آنها نشست حق تعالی فرماید که او را هم
 بخشیدم آن قومیت که هم نشینشان بدیخت نباشد و لهذا رسول کریم از هم نشین بدو همسایه بد بخوانا حبه
 طبرانی از عقبه بن عامر روایت کرده که رسول در دعای خود میگفت **اللَّهُمَّ إِنِّي أَخُو ذِيكَ وَمِنْ نَوْمِ الشُّعْرَى**
وَمِنْ سَاحَةِ الشُّعْرَى وَمِنْ كِبْسَةِ الشُّعْرَى وَمِنْ صَاحِبِ الشُّعْرَى وَمِنْ جَارِ الشُّعْرَى فِي كَارِ الْمَقَامَةِ
 یعنی ای پناه بر من تو از روز بدی و از ساعت بدی و از شب بدی ای من از روزی و شبی و ساعتی که در آن بگر
 واقع شود و از هم نشین یعنی هم نشین و همسایه که مصدر بدی باشد همسایه که اقامت در خانه همسایه باشد
 برای استراحت همسایه بد رسول کریم در بیخ زمین حق شفقه و حب کرده فائده پس شفع را باید
 که اگر مشتری نگیرد دست طلب شفع نمکند و اگر بدست از خریدار نماند شفع قسمی دیگر از
 حقوق العباد حق عامه مومنین است خصوصاً از نه احتی کسی است که عاجز و ضعیف و یتیم و مسکین باشد
 یا بیه و حق سالیست و حق مسافر و همسان که دارد و شود قال الله تعالی **وَأَنَّى الدَّلَالُ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ**
وَالْيَتَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَأَنْزَلَ السَّيْلَ وَالشَّارِبِينَ وَفِي الْقَابِ وَفِي الْقَابِ وَفِي الْقَابِ
حَقُّهُ وَالْمَسْكِينِ وَالْيَتَىٰ وَالْمَسْكِينِ یعنی نیکوکاری است که داد مال بر دوستی خدا و القربى و یتیمان
 و مسکینان و مسافران و سالکان را در آزادی بنده گان و فرمود حق تعالی **فَلَمَّا الْيَتِيمَ فَلَمَّمَهُ**
وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَمَّا كَثَفَهُ یعنی یتیم را قهر کن و سوال کننده را بجز بکن و فرمود آن حضرت **أَفَا وَ**
كَأَنَّكَ الْيَتِيمُ فِي الْيَتَامَىٰ هکذا رواه احمد و بخاری و ابوداود و الترمذی عن سهل بن سعد یعنی من را
 بر آورده یتیم و یتیم این چنین باشد و اشارت کرد و انگشت خود و فرمود **مَنْ مَرَّ بِمَرْيَا فَلَهُ**

بگذارید اینها را تا که با هم صلح کنند و او از مسلم عن ابیریه مرویست که آنحضرت فرموده که روز قیامت
 مردی مردی را بگیرد و گوید که تو با من چه کار داری من ترا نمی شناسم آن مرد گوید که تو مرا بر کار بدسیدیدی
 یعنی نمی از منکر فرض است که در صورتیکه داند که او قبول نخواهد کرد و رسول فرمود **لَا يَزِيحُ اللَّهُ عَنْ**
لَمْ يَزِيحِ النَّاسَ مَتَّقِ عَلَيْهِ عن جبریر بن عبد الله یعنی رحم نمیکند خدا بر کسی که رحم نمی کند بر مردمان
 و فرمود **لَا يَزِيحُ عَنْهُمْ الْخُشْنَ إِذْ حَمُوا أَصْرَ فِي الْأَرْضِ حَمُّكُمْ مِنْ فِي السَّمَاءِ**
 رواه ابو داود و الترمذی عن عبد الله بن عمر یعنی رحم کنندگان از من رحم میکنند رحم کنید کسانی که در
 زمین اند رحم کند بر شما حق تعالی که حکم او جاریست در آسمان و رحم کنند ملائکه آسمان و فرمود **مَنْ لَمْ يَرْحَمْ**
صَغِيرًا نَأَى كَمْ يَجِدُ كَبِيرًا ناقلین حصار واه البخاری فی الادب و ابو داود و عن ابن عمر یعنی هر که
 رحم کند بر صغیر را و نشاء حق بزرگ مای پس از اینست و فرمود رسول صیانت در دلو کسی که صلح
 کند در مردم و گوید نیک برساند پیغام نیک این حدیث را در صحیحین از امام کثرت عتبه روایت
 کرده احمد و ترمذی از امام نبوت نیز روایت کرده که گفت رسول حلال نیست دروغ گفتن بگشت
 جاد و دروغ گفتن با زن پراخی را زنی کردن او و دروغ و جنگ کفار یعنی بقتیمکه عذر نباشد و دروغ
 گفتن برای صلح و مردم فرمود **أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَفْضَلِ مِنْ دَرَجَةِ الصَّيَامِ وَالصَّدَقَةِ**
وَالصَّلَاةِ صَحَابَةُ كُنْتُمْ بِي يَارَسُولَ اللَّهِ فرمود **أَفْضَلُ مِنْ دَرَجَةِ الْبَيْنِ وَفَسَادُ ذَاتِ الْبَيْنِ**
هِيَ الْحَالِقَةُ رواه ابوداود و الترمذی عن ابی الدرداء قال نه حدیث صحیح آنحضرت
 اصحاب را گفتند که جزو کلم شمارا بچیزیکه افضل باشد در درجه از روزه و صدقه و نماز و صفا بگفته اند
 خبر و یا رسول الله فرمود صلح کنانیدن در میان مردم افضل است از روزه و صدقه و نماز و فساد کردن
 در مردم حالقه است و فرمود آنحضرت **ذَبْ إِلَيْكُمْ ذَا أَلَا مِمِّ قَبْلَكُمْ الْحَسَدُ وَالْبَغْضَاءُ**
هِيَ الْحَالِقَةُ كَقَوْلِ يَخْلُقُ الشَّعْرَ لَكِنْ يَخْلُقُ الدِّينَ رواه احمد و الترمذی عن زبیر بن جراح
 آمد بسوی شما منی که در متهامی پیشین بود با هم حسد کردن بغض نمودن این صفت حالقه است یعنی
 تراشنده نیکویم که موسی را می تراشد بلکه دین را می تراشد و فرمود آنحضرت هر پیر کنیز خستد بر یک
 حسد میخورد و نکو بهار اچنانچه میخورد و تشنگی بیا خشک را با بود و عن ابی هریره و فرمود آنحضرت **يَا أَيُّكُمْ وَسْوَءُ**
ذَاتِ الْبَيْنِ فَإِنَّهَا الْحَالِقَةُ رواه الترمذی عن ابی هریره یعنی پیر کنیز بدی در میان مردم
 این صفت تراشنده است دین را و فرمود آنحضرت **مَنْ خَذَا خَذَا اللَّهَ وَمَنْ شَاقَّ شَاقَّ اللَّهَ**
 حکایت رواه ابن ماجه و الترمذی عن ابی صبرته یعنی هر که ضرر رساند دیگر را خدا او را ضرر رساند

در حدیث
 در حدیث
 در حدیث

و دیگر مشت و دیگر را خدا بر اشت و در ترمذی از ابی بکر سیدین و روایت کرده که فرمود و آنوقت
که دست کسی که مومن را خور رسا نکند یا بناد و او را از سیدین زید از سر و عالم روایت
کرده که فرمودید ترین زبان درازی است در آبروی سلامی بغیر حق و رسول فرمود و مرا غشگی الی
اَجِبْهُ فَلَمْ يَجِبْ رُوِيَ عَنْكَ قَبْلُ حَدَّثَنَا كَانَ عَلَيْهِ مِثْلُ حُطَيْبَةَ صَاحِبِ مَكِّيْنِ رَوَاهُ ابْنُ
عَمْرِو بْنِ زَيْدٍ بِرَأْسِهِ خَوَّاهُ بِسُورَةِ بَرَادِ خَوَّاهُ بِرَأْسِهِ خَوَّاهُ بِرَأْسِهِ خَوَّاهُ بِرَأْسِهِ
را باری بدان احدک الله تعالی حق اخوة سلامی بالاتر است از همه حقوق چرا که در حق قرابت بسی
و او در اسطه اند و در اخوة سلامی خدا و رسول خدا و اسطه اند رسول کریم پدر همه مومنان است حق میفرماید
اَلَيْسَ اَدْنٰى بِاللّٰهِ مِنْ بَيْنِ مِزَانِ الْفَيْسِمِ وَ اَزْوَاجِ الْمَاحِشِ وَ اَزْوَاجِ الْمَاحِشِ وَ اَزْوَاجِ الْمَاحِشِ وَ اَزْوَاجِ الْمَاحِشِ
و حق که طعم یعنی نبی ادلی است تبصره در مومنان از نفس آنها و از و اوج او ما درین مومنان است
و او در آنهاست و لهذا حق فرمود اِنَّ الْمَوْتِیْنَ اِخْوَةُ الْاَحْیَاءِ اِخْوَةُ الْاَحْیَاءِ اِخْوَةُ الْاَحْیَاءِ اِخْوَةُ الْاَحْیَاءِ
یا هم مگر برادران خود بنا بر اخوة سلامی ملایکه برای مومنان استغفار می کنند حق میفرماید
اَلَّذِیْنَ یُحْسِنُوْنَ الْاَعْرَافَ وَ صَوَّوْهُ لَیْسَ یُحْسِنُوْنَ اِیَّهَا رَیْبٌ مِثْلَ اَیَّهَا رَیْبٌ مِثْلَ اَیَّهَا رَیْبٌ مِثْلَ اَیَّهَا رَیْبٌ
می کنند با هم پروردگار خود و استغفار می کنند برای کسانی که ایمان آورده اند و با دیگری فرماید و فرستاده
است که کند پروردگار خود را برای اهل زمین استغفار می کنند سوال اگر حق اخوة سلامی از اخوة
و دیگر حقوق بالاتر است پس اخوة بنی را چرا مقدم نوشتی حق تعالی میفرماید اَللّٰهُ اَوْکَلُ الْاَحْکَامِ بَعْضُهُمْ
اَدْنٰى مِنْ بَعْضٍ فِیْ کِتَابِ اللّٰهِ مِنَ الْمُؤْمِنِیْنَ وَ اَللّٰهُ اَعْلَمُ بِمَا یَعْمَلُونَ یعنی اقربانی بنی بعضی را ادلی
و بهتر اند از مومنان و مهاجران و لهذا میراث در قرابت بسی است نه در قرابت سلامی و رسول
فرمود اَلصَّوْدَقَةُ عَلَی السَّکِیْنِ صَدَقَةٌ وَ هِیَ عَلَی ذِی الرَّحْمِ قَدْ نَافَعَتْ صَدَقَةً
و صدقه رواه احمد و الترمذی و النسائی و ابن ابی عمیر عن سلیمان بن عامر جواب قرابت بنی
و غیره که بالا فرموده اند و بعد آن اسلام شرط است و همه با اسلام مجتهد است معنی آنست که اولاد عام
که مسلمان اند از مومنان مهاجرین که قرابت بنی آنها و بهتر اند و دارش مقدم و مراد میراث آنکه صدقه
بر سکیین سلام اجنبی یکصد ثواب دارد و بر ذی رحم که سکیین باشد و ثواب دارد و لهذا اقربا اگر فرستاده
میراث آنهاست رسد بکلیه مومنین رسد و در بیت المال که حرائر عامه مومنین است دخل کرده
شود اگر پدر همسکه فرماید و نفق را بر سر و حجت لیکن حجت و درستی با وی نباید

[illegible]

قسمت ششم دیگر از حقوق آنست که بنده بخت بسیار خود بر خود لازم گردانند و بجهت حقوق آنست بهم
در حقوق الناس و هر یک از آن بسه قسم است قسمی آنست که سبب جواب آن طاعت باشد و دوم آنست
سبب بیان معصیت باشد سوم آنکه سبب جواب آن امری باشد فصل حق آنکه سبب بیان آنست
آن تذرت بعبادت نگرند و بعبادت مستعد گردند از جنس آن عبادتی فرض باشد چون نماز یا روزه یا صدقه
یا حج خواه آن از ربه یا بشر یا سبب شکر باشد یا نیتهای بینی یا دینی چنانچه گوید که اگر یار شوق یا بدعا
خدا هم کند بعد از دعا ایضاً این چنین نیز فرض است بعد و جواب در شرطانی قال الله و لیؤتوا انک و اثم
یعنی باید که وفا کنند در امری خود را و آنچه دلی غیر مستعد کند چنانچه نذر کند که برای سبب نذر و ضروی است
کرده باشم ایضاً آن سبب است حبس نیست در معصیت باطلست چنانچه گوید که اگر یاری شایا ببرد
کنا هم رسول فرمود انک فی معصیه الله یعنی نذر بمعصیت جائز نیست و تذریا مریح هم لغو است
و سواهی خدا نذر کردن برای پشیمانی برای کسی از اولیا گناه است قریب بشکر فصل در حق الله تعالی
که سبب آن امری است چون کفار و یمن در بعضی اوقات و قضای رمضان بعد از افطار سفر یا بریض
روزه رمضان را که سبب جواب قناست فصل در حق الله که سبب آن معصیت است چون حدود
سبب نایاب شراب یا قذف حبس شود و کفارت که سبب افطار روزه یا قتل خطایا ظلم و زور و شر
فصل حق العباد که سبب آن طاعت است چون ایضاً و عده چیز که ضرورت قال الله و اؤتوا
بالعهد انکم کان مسئولاً یعنی وفا کنید عهد را بدرستی که سوال کرده شود بدان و رسول فرمود
العهده ذین رواه الطبرانی عن علی بن ابی حمزه عن عمار بن علی عن علی بن عاصم عن جابر بن عبد الله
عن ابي ذر عن ابي ذر عن ابي ذر عن ابي ذر عن ابي ذر عن ابي ذر عن ابي ذر عن ابي ذر عن ابي ذر عن ابي ذر
یعنی و عده که دین دارد و بناکت است هر کسی را که وعده کند پس وفا کند این کلمه سه بار فرمود و در صحیحین
ایمیر و مرویست که رسول فرمود ایه المنافق ثلاث ان یؤثر عن عاصم و صلی و زعمه انه شایع
ثلاثه ان یؤثر عن عاصم و صلی و زعمه انه شایع ثلاثه ان یؤثر عن عاصم و صلی و زعمه انه شایع ثلاثه
چیز است در مسلم زیاد آورده و گفته اگر چه روزه دارد و نماز گزارد و بگوید که من مسلمانم یکی آنکه در تنگی
سخن گوید و دروغ گوید و چون وعده کند وفا نکند چون امانت سپرده شود خیانت کند و از عهد بشکند
چون عمر مرویست که رسول فرمود چهار چیز اند که این چهار در و با منافق بود چون امانت سپرده شود خیانت کند چون
سخن گوید دروغ گوید چون عهد کند عهد و قریب کند در آن چون شرع کند با کسی دشنام دهد و حق العباد که سبب
آن امری سبب آن نیست و اما آن که سبب بیع و شرا و اجاره و استجاره و استجاره و

در حق الله تعالی که سبب آن طاعت است چون ایضاً و عده چیز که ضرورت قال الله و اؤتوا
بالعهد انکم کان مسئولاً یعنی وفا کنید عهد را بدرستی که سوال کرده شود بدان و رسول فرمود
العهده ذین رواه الطبرانی عن علی بن ابی حمزه عن عمار بن علی عن علی بن عاصم عن جابر بن عبد الله
عن ابي ذر عن ابي ذر عن ابي ذر عن ابي ذر عن ابي ذر عن ابي ذر عن ابي ذر عن ابي ذر عن ابي ذر عن ابي ذر
یعنی و عده که دین دارد و بناکت است هر کسی را که وعده کند پس وفا کند این کلمه سه بار فرمود و در صحیحین
ایمیر و مرویست که رسول فرمود ایه المنافق ثلاث ان یؤثر عن عاصم و صلی و زعمه انه شایع ثلاثه
ثلاثه ان یؤثر عن عاصم و صلی و زعمه انه شایع ثلاثه ان یؤثر عن عاصم و صلی و زعمه انه شایع ثلاثه
چیز است در مسلم زیاد آورده و گفته اگر چه روزه دارد و نماز گزارد و بگوید که من مسلمانم یکی آنکه در تنگی
سخن گوید و دروغ گوید و چون وعده کند وفا نکند چون امانت سپرده شود خیانت کند و از عهد بشکند
چون عمر مرویست که رسول فرمود چهار چیز اند که این چهار در و با منافق بود چون امانت سپرده شود خیانت کند چون
سخن گوید دروغ گوید چون عهد کند عهد و قریب کند در آن چون شرع کند با کسی دشنام دهد و حق العباد که سبب
آن امری سبب آن نیست و اما آن که سبب بیع و شرا و اجاره و استجاره و استجاره و

استماع و استغفار و تکلیف و تنوع و مانند آن لازم شود ادای این حقوق یعنی تسلیم بید و قبض بر
بیشتری تسلیم بفسخ بزوج و تسلیم بفسخ و اینها می شود قرض و مهر و اجرت و رد عاریت و ودیعت
و مانند آن از فرایض مقام مخصوص است و از حقوق الله است که احتمال مغفرت دارد اولی بالا داشت
و در تلف این حقوق و عدم ادای ویون احتمال عدم مغفرت است رسول فرمود **يُغْفَرُ لِلشَّهِيدِ كُلِّ**
ذَنْبٍ إِلَّا الذَّنْبَ رواه مسلم عن عبد الله بن عمر یعنی بخشیده میشود برای شهید هر گناه مگر دین و سرود
مَطْلُ النِّجَاحِ ظلم مستحق علیه عن ابی هريرة یعنی درنگ کردن در ادای دین بعد سپردن ظلم است
جنازه پیش پیغمبر آمده برای نماز آنحضرت پرسید آیا دین کسی هست گفتند که فی آنحضرت برود
نماز جنازه خواند دیگر جنازه آمد پرسید که بروی دین کسی هست یعنی حق بندگان گفتند هست گفت
گذشته است گفتند آری نماز آنحضرت بروی نماز خواند سوم جنازه آمد پرسید که بروی دین
کسی هست گفتند آری سده دینا پرسید که چیزی مال گذشته است گفتند فی سرود شما نماز برود
بخوانید ابوقناد گفت یا رسول الله دین او بر خود گرفتیم نماز بروی بخوان انگاه نماز خود
بخاری از مسلم بن کوفع روایت کرده بخوبی در شرح اینست از ابی سعید خدری روایت کرده که جنازه
آمد رسول علیه السلام پرسید که بر دین هست گفتند آری آنحضرت پرسید که مقدار دین مال گذشته است
گفتند فی حضرت فرمود که شما خوانید علی فنی الله گفت که دین او بر خود گرفتیم آنوقت نماز خواند و گفت
علی را که حق تعالی ترا از بند ما کناد چنانچه تو یار خود را از بند ما کردی مسلم از ابی قتاده روایت
کرده که مردی گفت یا رسول الله در حالی که رو بر قال داده باشم حق تعالی گناهان من بخشد
فرمود آری مگر دین این چنین جبرائیل عین گفت و برای او که هر حق تعالی میفرماید **وَالَّذِينَ آمَنُوا**
صَدَقَاتِهِمْ نَجَلَةً یعنی بپسزدن را مهرهای شان بخوشی دل با مال حلال بشبهه یا بنابر ویاست
و فرمود **أَعْطُوا أَجْرَهُ خَيْرٌ خَيْرٌ خَيْرٌ** رواه ابن ماجه عن ابن عمر و ابو نعیم
ابی هريرة و الطبرانی عن جابر و حکیم الترمذی عن انس یعنی بپسزدن و در امر و دین و پیش از آنکه
خسک شود عرق او و رسول فرمود **إِذَا دَعَا جَلَّ أَهْوَاؤُهُ إِلَى خَيْرٍ شَبَّهَ قَابَتُ قَبَاتٍ عَصَابًا**
كَغَتِّهَا إِلَى كَلْبَةٍ حتی تصبیح متفق علیه عن ابی هريرة و قتیبه که شومر زن خود را بر فرزند خود طلبت و او
انکار کند شومر بغضه بخوابد فرشتگان تا صبح بر آن زن لعنت کنند قال الله تعالی **إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ**
تَنْتَوُوا ذُرَاكُمْ مَاتَ إِلَى أَهْلِهَا یعنی الله تعالی حکم میکند شما را که امانت را با اهلکانشان ادا کنید
مفضل اگر شخصی اراده دای دین داشته باشد و او را نیت شود و میرد هید است که حق تعالی در آخرت

واینان اورا راضی سازد و او را بهیشت بر د رسول فرمودند **قَدْ كُنْتُمْ بَيْنَ يَدَيْهِ وَفِي فُجُورٍ**
لَا تَسْتَعْتِبُ بِلَهُ اللَّهِ رَبِّكَ وَأَرْضُ عَرْشِهِ بِمَا شَاءَ وَفَرَّقَ بَيْنَ يَدَيْهِ وَفِي فُجُورٍ
گناه مؤمنان است **أَقْبَرُ اللَّهُ تَعَالَى لِعَرْشِهِ** **كُلَّ يَوْمٍ الْيَوْمِ** رواه الحاکم من ابی امامه
یعنی هر که سال کند دین بر وی لازم شود و او را داده ادای آن دارد و بهر حق تو او را بهیشت
بر و اینان او را راضی سازد و هر که سال کند دین و او را داده ادای آن دارد و او را داشته باشد و حق و نه حق
عمرانی او را راضی است و طبرانی و حاکم هم از ابی امامه مثل این روایت کرده اند باین عبارت
أَمِنْ أَوْي كُنْتَ وَهُوَ يَكُونُ أَنْ تَكُونُ ذِيَةً فَتَأْتِ فَتَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى يَوْمَ الْيَوْمِ تَرَاهِي لَأَسْخَنَ بَعِيدٌ كُنْتَ
أَفِي كُنْتَ مِنْ حَسَنَاتِهِ فَيَسِيلُ فَيَحْسَنَاتِهِ الْخَيْرِ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ حَسَنَاتٌ أُخِذَ مِنْ سَيِّئَاتِهِ
کنجید علیک یعنی هر که بهر دوا داده ادای دین نداشته باشد بگوید حق تعالی که من بند
او در این سبکیم پس از حسنات بدیون بدین در مانده شود و اگر حسنات نباشد گناهان این بر دین
ببارد و شود و طبرانی از ابن عمر روایت کرده که رسول فرمود **وَقَدْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ**
پس من دلی او را بهیشت یعنی او را بهیشتیم و از حق تعالی او را دکت نام و هر که بهر دینیت ادای دین ندارد
گرفت شود از حسنات او و در آن روز در هم دینا نیست و چنین از ابن عمر از حضرت مرویت
فصل و حقوق العباد که سبب آن محبت است چون قتل نفس اتیل عضو یا گرفتن مال کسی بغصب یا سرقت
خیانت یا آبروی کسی بردن یا دشنام داند آن یا محبت ادای این حق رو مظلوم و استر ضای مظلوم
ست بدون استر ضای مظلوم عفو و مغفرت در اطلاق این چنین حقوق نمیتوانند شد الا نادار رسول و
أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ قَالَ لِيُؤْمِنُوا بِاللَّهِ بِشَيْءٍ وَدِينُكَ لَا يُتْرَكُ لِلَّهِ مُرْسَلٌ شَيْءًا وَدِينُكَ
لَا يُفْرَقُ مِنَ اللَّهِ أَمَّا الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ فَالْإِيمَانُ بِاللَّهِ فَالْإِيمَانُ بِاللَّهِ وَآمَنَ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ
شَيْءًا فَظَلَمَ الْعَبْدُ نَفْسَهُ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ رَبِّهِ مِنْ صَوْمٍ مُرَكَّهٍ أَوْ صَلَاةٍ
مُرَكَّهَةٍ أَوْ مِمَّا رَزَقَكَ وَتَقَالَ يَغْفِرُ ذَلِكَ وَيُعَاذُ بِرُكْنِ الشَّيْءِ وَآمَنَ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ
لَا يُتْرَكُ لِلَّهِ مُرْسَلٌ شَيْءًا فَظَلَمَ الْعَبْدُ نَفْسَهُ بِمَعْصِيَةٍ كَالْقَصَاصِ لَا يَحْأَلُهُ رَوَاهُ الْحَاكِمُ
و احمد عن عائشه یعنی ما را ای اعمال که کند اندکی آنست که حق هیچ نمی شمارد و او دیگری
آنست که آن را هیچ نمی گذارد و دیگری آنست که آن را هرگز نمی بخشد آن نامه که آن را نمی بخشد که آن
ست و آن نامه که آن را هیچ نمی شمارد آن ظلم بنده است بر نفس خود تبرک حقوق حق تعالی از ترک
رعوه و دینا زده اند آن پس حق تعالی بخشد این را هرگز سزا ندهد و آن نامه که آن را هیچ نمی گذارد

در این حدیث از ابی امامه روایت شده است که هر که سال کند دین بر وی لازم شود و او را داده ادای آن دارد و او را داشته باشد و حق و نه حق عمرانی او را راضی است و طبرانی و حاکم هم از ابی امامه مثل این روایت کرده اند باین عبارت

مظلومان را ثواب حسنات ظالمان داد و شود تا دیکه هیچ از حسنات شایع ندیش اگر ظالم بقیه
کسان مظلومان بر ظالمان نهاد و آنها را داخل فرخ کرد و شود پس هرگاه که مژای سیات فتن
شود اگر چه بیکشت طویل مومنان ظالمان از مظلالم پاک شوند آن زبان درش نیست که شود
بمقتضای ایمان که جزای ایمان خلود است و بیشتر اینچنین با هم می گفت لیکن از شماست
ظالم کما باشد که ایمان سلسله و نمود با اینها حق تبار از صدمه و مظلالم در پناه خود دارد
مباش در پی آزار و حربه خواهی کن که در شریعت با غیرین گناه نیست - یعنی در شریعت
محمدی مانند مظلالم هیچ گناه نیست - فایده اگر بر ذمه شخصی مظلالم بود و از آن توبه کند آن
ظالم است نواب کن در مظلالم است رضای مظلومان از مظلوم و خارج باشد در صورت
است که مقتضای ضمان او را در قیاست اضی سازد و رسول فرمود بجلال من اقمی جی
یون یلای رب الهم تو تب اذک و تعالی فقال اخذها یا رب اخذ لی مظلومی من
اخری فقال الله اخط اخطک مظلک فقال یا رب لم یبق من حسناتی شیئ فقال الله
کف تصنع کمر یبق من حسناته شیئ فقال یا رب یحیی من اذ اذی و خاصت علی
رسول الله صلعم بالکما و قال اذ ذلک یوم عظیمه یوم یجتاح الناس الی ارجل
عنهم و زارهم فقال الله ارفع رأسک فالظرفی کان مرفوع ناسه فقال
یا رب اری مدائن من فضیلة من نفعه و من ذهب مکرله بالکول و لای بی
اخری فی حیات فی اکره فی شریک هذا فقال لمن اعطى الله قال رب و من مملک
ذریک قال انت مملکة قال لم قال لحقولک من لخصک قال رب الی
حقوت عنه قال الله تعالی خذ بید اخیک فادخله الجنة ثم قال رسول
الله ص لعم اقول الله و اصابوا ذات بینکم فانی الله یصلح بین المؤمنین یوم
القیمه رواد الحاکم و البهیقی و معدن منصور عن انس لیس و مرد از هست من دور
نشیند میش رب التست نرس یکے بگوای بر در دکه مظلوم از برادر من بگیر حققالے او را
بفراید که بدو مظلوم این برادر خود را او بگوید که پروردگار هیچ از حسنات باقی نمانده است
حققالی مظلوم را بفراید چه یکس از حسنات او هیچ باقی نمانده است و گوید که
پروردگار گناهان من از من بردار و ازین شخص چشم مبارک آنحضرت صلعم است که
بجست فرمود که آن روز سخت روز باشد مردم محتاج شوند به آنکه کسی گناهان من بردارد و خواتم

این مظلومان را ثواب حسنات ظالمان داد و شود تا دیکه هیچ از حسنات شایع ندیش اگر ظالم بقیه کسان مظلومان بر ظالمان نهاد و آنها را داخل فرخ کرد و شود پس هرگاه که مژای سیات فتن شود اگر چه بیکشت طویل مومنان ظالمان از مظلالم پاک شوند آن زبان درش نیست که شود بمقتضای ایمان که جزای ایمان خلود است و بیشتر اینچنین با هم می گفت لیکن از شماست ظالم کما باشد که ایمان سلسله و نمود با اینها حق تبار از صدمه و مظلالم در پناه خود دارد مباش در پی آزار و حربه خواهی کن که در شریعت با غیرین گناه نیست - یعنی در شریعت محمدی مانند مظلالم هیچ گناه نیست - فایده اگر بر ذمه شخصی مظلالم بود و از آن توبه کند آن ظالم است نواب کن در مظلالم است رضای مظلومان از مظلوم و خارج باشد در صورت است که مقتضای ضمان او را در قیاست اضی سازد و رسول فرمود بجلال من اقمی جی یون یلای رب الهم تو تب اذک و تعالی فقال اخذها یا رب اخذ لی مظلومی من اخری فقال الله اخط اخطک مظلک فقال یا رب لم یبق من حسناتی شیئ فقال الله کف تصنع کمر یبق من حسناته شیئ فقال یا رب یحیی من اذ اذی و خاصت علی رسول الله صلعم بالکما و قال اذ ذلک یوم عظیمه یوم یجتاح الناس الی ارجل عنهم و زارهم فقال الله ارفع رأسک فالظرفی کان مرفوع ناسه فقال یا رب اری مدائن من فضیلة من نفعه و من ذهب مکرله بالکول و لای بی اخری فی حیات فی اکره فی شریک هذا فقال لمن اعطى الله قال رب و من مملک ذریک قال انت مملکة قال لم قال لحقولک من لخصک قال رب الی حقوت عنه قال الله تعالی خذ بید اخیک فادخله الجنة ثم قال رسول الله ص لعم اقول الله و اصابوا ذات بینکم فانی الله یصلح بین المؤمنین یوم القیمه رواد الحاکم و البهیقی و معدن منصور عن انس لیس و مرد از هست من دور نشیند میش رب التست نرس یکے بگوای بر در دکه مظلوم از برادر من بگیر حققالے او را بفراید که بدو مظلوم این برادر خود را او بگوید که پروردگار هیچ از حسنات باقی نمانده است حققالی مظلوم را بفراید چه یکس از حسنات او هیچ باقی نمانده است و گوید که پروردگار گناهان من از من بردار و ازین شخص چشم مبارک آنحضرت صلعم است که بجست فرمود که آن روز سخت روز باشد مردم محتاج شوند به آنکه کسی گناهان من بردارد و خواتم

و بزرگترین بخت و شانس خود بدو رسیده است زیرا که رسول فرمود: **اَلْمُسْتَعْبَانِ مَعَاذُ لَا اَعْلٰی**

لَبَادِيٍّ مِمَّا لَمْ يَفْقِدِ الظُّلُومَ رَدَاهُ أَحْمَدُ وَسَيَاوَهُوهُ وَالْزُّمَرُ

دکتران با هم بدگوی گشتند گنا و هر دو بدگوی هر کس هست که اول از آنکه یک شایسته بود

است از هر دو نخست است اول گفته تا که تانی زیاد کند از گفته اول

في الخبر في الامام عليه السلام

بجاری فی الادب بسند صحیح عن عیاض بن جازع یعنی دو کس که با هم بدگوئی میکنند و هر یک را شیطان

بابهم كلام اهل ميگویند و باهم دروغ گوئی میکنند و قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَكَانَ سِتْرَهُ

يَسْتَعِذُّ بِالْحَيِّ أَحْسَنُ بِإِذْنِكَ وَيَسْتَعِذُّ بِكَ عَدَاؤُكَ كَيْفَ تَقْدِرُ

وَالَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا لَهُمْ آلٌ إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا قُلْ مَا يَنْفَعُكُمْ هُمْ وَلَا ضَرُّهُمْ وَلَا يُجِزِي

فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ وَأَمَّا يَتَرَعَّبُكَ مِنَ الشَّيْطَانِ

هو السميع العليم یعنی نیکی و بدی یکسان نیست پس هر که نیکی بخواهد

سے پراگشیا رہند یہ پہلی دفعہ کہنے یعنی اگر کسی تو بدی کہند تو عوض ان کے کہن ان میں

ری او بر طرف شود اگر پنهین کنی پس کسیکه با تو دشمنی دارد دوست که بگ تو را خشنود

خواهد کرد این صفت را اگر صابران دشمن نخواهد کرد در هر صفتی که باشد

ارو اگر دوسوسه بخاطر تو رسد از طرف شدط ای که

و در آنجا که باز دار دایره غل پس پناه جواز خدا

وینیمست بر ایا ه دهر مردی گفت یا رسول الله مرا چند غلام اند که مراد دروغ گو میگویند

میکنند و از برای می کنند و من آنها را می بینم و دشنام می دهم پس چگونه باشد مرا از آنها

سرمد که خیانت و تکذیب در عصیان آنها با عقاب تو حساب کرده خواهد شد

از عقاب آنها کم خواهد بود تر فضیلت خواهد بود و اگر عقاب تولید گردد آنجا که از

و اگر عقاب تو از گنایا بشناسد و بداند که خواهی بود در آنجا

سیرت و یاد از آنکه در این کتاب مذکور است

بين دبا وانه مال گردن گرفت رسول فرمود ايا قرآن خوانده و كتع الموازين القسط

فَلَا تَطْلُمُ الْقُرْشِيَّ إِنَّا كُنَّا مِنْتَهُمْ قَبْلَ خُرُوجِ آلِ إِبْرَاهِيمَ

یعنی خواهم نهاد ترا دانی عدل روز قیامت هر ظالم که دره خویش در محک خود

د ظلم بوزن دانہ خردل خواہی آورد و ہم آنچہ در کشتی نماندگان بود

میرزا یحیی خان و میرزا محمد علی خان و میرزا حسن خان و میرزا حسین خان و میرزا عباس خان و میرزا احمد خان و میرزا اسماعیل خان و میرزا اسماعیل خان و میرزا اسماعیل خان

ایم از خود آوردن آنها بدستیکه من ترا شایسته گفتم که آتخسان از ارادکردم رزاه احمد

شہزادہ محمد حسام الدین بدایہ پہلے باشندہ خیرا۔ اگر مردی خیرن آئے من آسا۔

خس و نری نذرت بکبر حق شد در حق رسول کریم و فرموده وَاَنْتَ کَعَالٍ مِّثْلُ عَظِیْمٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

$$f_{\text{max}} = \frac{1}{2\pi} \sqrt{\frac{1}{L C_{\text{eff}}}} = \frac{1}{2\pi} \sqrt{\frac{1}{L (C_1 + C_2)}} = \frac{1}{2\pi} \sqrt{\frac{1}{L C_1 (1 + \frac{C_2}{C_1})}} = \frac{1}{2\pi} \sqrt{\frac{1}{L C_1}} \frac{1}{\sqrt{1 + \frac{C_2}{C_1}}} = f_{\text{max0}} \frac{1}{\sqrt{1 + \frac{C_2}{C_1}}}$$

بسمکتاب الله الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین

در مطبع محمدی واقع لاهور بفیض الشیخ اجران نامی فقیر السید عبد العزیز
و این احمد جامی رزقہم اللہ زرقا و سعادت طبع و کردید